

International legal Criticism of the Verdict Issued in the Case of Marla Bennett regarding the Violation of the Immunity of Iranian Property in Canada

Zahra Fallah Fard *Corresponding Author*, MA in International Law, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. E-mail: z.fallahfard@gmail.com

Syed Morteza Mirjood Ph.D. International Law, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.. E-mail: seyedmirjood@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

Justice for Terrorism Act,
Marla Bennett,
Canada,
Iran

ABSTRACT

In 2019, the Supreme Court of Ontario, implemented the decision of the US appeals courts in this regard, according to the amendment of the 2012 Canadian Immunity Act and the Mutual Recognition of Judicial Opinions Act between the US and Canada. The document published by this court on August 7, 2019, emphasizes that the proceeds of two properties belonging to Iran, which were sold for an approximate value of 28.3 million Canadian dollars (21.3 million US dollars), should be presented to the heirs of Marla Bennett; Bennett was an American citizen who was killed in a 2002 Hamas bombing of the Hebrew University of Jerusalem. This action of the Canadian court, which was based on the Justice for Victims of Terrorism Act 2012 and the instructions on the lists of states that support terrorism, has put the question before international lawyers whether the violation of the immunity of the Iranian government's property in Canada is based on the principles of law. International, has a legal status? The result of the current research is that the main argument of the Canadian courts regarding the violation of the immunity of the state property of Iran in this country is that the Lebanese Hamas and Hezbollah groups are terrorists, and any support for them is considered to be support for terrorist groups. This is despite the fact that the procedure of the Canadian government in describing governments or groups as sponsors of terrorism is discriminatory, and it has accepted the effective control criterion as an international criterion, and most importantly, in none of the documents The UN, Hamas and Hezbollah groups in Lebanon have not been considered as terrorist groups, therefore, the exception of terrorism cannot be cited in violating the immunity of the Iranian government's property.

Cite this Article: Fallah Fard, Z., & Mirjood, S. M. (2024). International legal Criticism of the Verdict Issued in the Case of Marla Bennett regarding the Violation of the Immunity of Iranian Property in Canada. *International Relations Researches*, 14(2), 177-197.

doi: [10.22034/irr.2024.208731](https://doi.org/10.22034/irr.2024.208731)



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: [10.22034/irr.2024.208731](https://doi.org/10.22034/irr.2024.208731)

نقد حقوقی بین‌المللی بر رأی صادره در قضیه مارلا بنت ناظر بر نقض مصونیت اموال ایران در کانادا

زهرا فلاح فرد نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی،

چالوس، ایران. رایانامه: z.fallahfard@gmail.com

سیدمرتضی میرجود دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

رایانامه: syedmirjoud@yahoo.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	دادگاه عالی ایالت اونتاریو کانادا در سال ۲۰۱۹ به موجب اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها در ۲۰۱۲ کانادا و قانون شناسایی متقابل آرای قضایی میان آمریکا و کانادا رأی دادگاه‌های تجدید نظر ایالات متحده در این خصوص را شناسایی و اجرا کرده است. سندی که این دادگاه در هفتم اوت ۲۰۱۹ منتشر کرده است، تأکید می‌کند، عواید دو ملک متعلق به ایران که به ارزش تقریبی ۲۸.۳ میلیون دلار کلنآدایی (۲۱.۳ میلیون دلار آمریکایی) فروخته شده است، به وراثت «مارلا بنت» ارائه شود؛ بنت شهروند آمریکایی بود که در بمب‌گذاری حماس در دانشگاه عبری بیت‌المقدس در ۲۰۰۲ کشته شد. این اقدام دادگاه کلنآدایی که بر مبنای قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ۲۰۱۲ و دستورالعمل فهرست‌های دولت‌های حامی تروریسم صورت گرفته است، این سؤال را پیش روی حقوق دانان بین‌المللی قرار داده است که آیا نقض مصونیت اموال دولت ایران در کانادا بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل، از وجهه قانونی برخوردار است؟ نتیجه تحقیق حاضر آن است که استدلال اصلی محاکم قضایی کانادا در مورد نقض مصونیت اموال دولتی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، تروریستی بودن گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان است که هرگونه حمایت از آنها، حمایت از گروه‌های تروریستی تلقی می‌شود. این در حالی است که از آنجا رویه دولت کانادا در توصیف دولت‌ها یا گروه‌ها به عنوان حامی تروریسم، تبعیض آمیز بوده و معیار کنترل مؤثر رابه عنوان معیار بین‌المللی مورد پذیرش قرار داده است و از همه مهم‌تر در هیچ یک از اسناد سازمان ملل متحد، گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان به عنوان گروه‌های تروریستی تلقی نشده‌اند، بنابراین نمی‌توان به استثنای تروریسم در نقض مصونیت اموال دولت ایران استناد نمود.
کلیدواژه‌ها: قانون عدالت برای تروریسم، مارلا بنت، کانادا، ایران.	
تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۵	

استناد به این مقاله: فلاح فرد، زهرا، & میرجود، سید مرتضی. (۱۴۰۳). نقد حقوقی بین‌المللی بر رأی صادره در قضیه مارلا بنت ناظر بر نقض مصونیت اموال ایران در کانادا. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۲)، ۱۷۷-۱۹۷. doi: 10.22034/irr.2024.426338.2465

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





تروریسم یکی از اصلی‌ترین استدلالات دولت‌ها برای نقض مصونیت اموال دولتی است. این در حالی است که در فقدان تعریف عام الشمول حقوقی بین‌المللی در ارتباط با تروریسم، مصادیق عینی آن نیز در بین دولت‌ها با اختلاف نظرات وسیعی همراه بوده و موضوع اصلی قضیه مارلابنت نیز همین امر است. البته مؤلفه‌های مشترکی در ارتباط با اقدامات تروریستی و تروریسم نوین می‌توان بیان نمود از جمله این که تروریسم جدید برخلاف تروریسم‌های سابق که عمدتاً حول محورهایی هم چون پیشرفت، مبارزه با استعمار، ملی‌گرایی و تمایلات جدایی‌خواهانه بوده است، یک تروریسم مبتنی بر هویت است. البته این بدان معنا نیست که اقدامات تروریستی در نظام حقوق بین‌الملل محکوم نشده است چرا که جدا از این که ۱۲ کنوانسیون صرفاً در سطح سازمان ملل متحد در ارتباط با این موضوع وجود دارد، بلکه از جنبه‌های مختلف حقوق بشری نیز تأثیرات مستقیمی برجای گذاشته است. در هر صورت، روابط رسمی بین ایران و کانادا با افتتاح سفارت ایران در اتاوا در ۱۹۵۶ و سفارت کانادا در تهران در ۱۹۵۹ آغاز شد. در طول سال‌های بعد، دو کشور روابط تجاری عمده‌ای با هم داشتند؛ تا جایی که ۱۰۰۰ نفر از کارگران و پیمانکاران کانادایی در ایران فعالیت می‌کردند. سفارت کانادا در تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی باز بود؛ اما در سال ۱۹۸۰ به دنبال خروج امن شش نفر از اعضای سفارت آمریکا که دیپلمات‌های کانادایی آن‌ها را پناه داده بودند، روابط کانادا و ایران به حالت تعلیق درآمد. در پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، کانادا تیم بزرگی از ناظران را تحت مأموریت بین‌المللی سازمان ملل متحد برای همکاری در نظارت بر آتش‌بس اعزام کرد. در همین حین، سفارت کانادا مجدداً بازگشایی و در ۱۹۹۰ سفیر کانادا تعیین شد. در طول دهه ۹۰ میلادی، روابط تجاری بین دو کشور به سرعت توسعه پیدا کرد؛ به طوری که ایران یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری کانادا در منطقه خاورمیانه گشت. این حضور متقابل دیپلماتیک تا سپتامبر ۲۰۱۲ ادامه داشت تا اینکه در این زمان، کانادا سفارت خود در تهران را بست و به دلایل گوناگون از جمله عدم تطابق ایران با قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد و سیاست‌های منطقه‌ای ایران دیپلمات‌های ایرانی را از اتاوا اخراج کرد. از آن زمان، ایتالیا به‌عنوان حافظ منافع کانادا در ایران تعیین شد. در کنار این موضوع، کانادا همواره یکی از منتقدان اصلی وضعیت حقوق بشر در ایران بود و از سال ۲۰۰۳ تاکنون نیز از حامیان اصلی قطعنامه‌های سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر در ایران است با اصلاحات صورت‌گرفته در قوانین مصونیت دولتی کانادا در یک دهه گذشته، این کشور در مسیری مشابه با ایالات متحده، البته با شدت کمتری



حرکت می‌کند؛ چنانکه استثنای تروریسم به‌عنوان استثنای بر مصونیت دولت‌ها در قوانین کانادا و رویه قضایی این کشور پذیرفته شده است. قضیه حاضر که رأی آن در دادگاه عالی ایالت اونتاریو کانادا در سال ۲۰۱۹ به‌موجب قانون شناسایی متقابل آرای قضایی میان آمریکا و کانادا صادر گردیده است، رأی خواهان آمریکایی که ابتدا در محاکم قضایی ایالات متحده صادر شده، در محاکم قضایی کانادا مورد شناسایی قرار گرفته و به صدور رأی «توقیف اموال فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در این کشور منتهی شده است که با قاعده «احترام به اموال فرهنگی، مصونیت دیپلماتیک و قانون اساسی ایران» در تعارض است. وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران پس از این اقدام با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «این وزارتخانه اقدامات طرف کانادایی را مغایر با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر می‌داند و خواستار بازگشت فوری دارایی ایران و همچنین خواهان عذرخواهی رسمی دولت کانادا از جمهوری اسلامی ایران است».

در مورد پیشینه تحقیق حاضر می‌توان گفت که به صورت خاص، پژوهشی خواه در قالب کتاب خواه در قالب مقاله خواه در قالب پایان نامه صورت نگرفته است و تنها می‌توان به آثار پژوهشی اشاره نمود که در قالب مصونیت دولت‌ها یا مصونیت اموال دولت‌ها به رشته تحریر نگاشته شده‌اند که در ادامه به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

مقاله قاعده مصونیت دولت‌ها و تقابل آن با تروریسم با تاکید بر سانه سقوط هوپیمای اوکراین)) نگاشته کرباسی و دیگران (۱۴۰۲) به این موضوع پرداخته است که آیا تروریسم می‌تواند مبنای نقض مصونیت دولت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل باشد. در این خصوص، تصریح شده است که مصونیت دولت‌ها، یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است و استثنائات آن نیز در حقوق بین‌الملل عرفی و نیز در کنوانسیون مصونیت ۲۰۰۴ ملل متحد مشخص شده است. در انتها نیز این امر نتیجه‌گیری شده است که علی‌رغم تلاش‌هایی که برای ایجاد و افزودن استثنائات جدید بر مصونیت دولت‌ها از سوی برخی دولت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا و کانادا صورت گرفته است از جمله تروریسم، اما این رویه نتوانسته است مورد توجه همه دولت‌ها قرار بگیرد. ضمناً در بخشی به رویه و قانون کانادا از جمله قانون عدالت برای قربانیان تروریسم نیز پرداخته شده است و نتیجه گرفته شده است که دولت کانادا نمی‌تواند بر اساس این قانون، نسبت به نقض مصونیت اموال دولت ایران در کانادا اقدام نماید.

مقاله استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا)) نگاشته عبداللهی و خندان کوچکی (۱۳۹۶) بر اساس این فرضیه نگاشته شده است که تروریسم، هیچ‌گاه به‌عنوان استثنای اصل مصونیت



دولت‌های خارجی در نظام حقوق بین الملل مورد پذیرش قرار نگرفته است. با این حال، دولت‌های ایالات متحده آمریکا و کانادا به ترتیب در سال ۱۹۹۶ و در سال ۲۰۱۲ میلادی بر اساس قوانینی، به نقض مصونیت دولت‌های خارجی پرداخته‌اند. در ادامه، به بررسی تطبیقی نقاط تمایز و تشابه استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا پرداخته شده است.

۱. شرح قضیه و سابقه آرای قضایی علیه جمهوری اسلامی ایران در محاکم قضایی کانادا به دلیل

تروریسم

۱-۱- شرح قضیه:

دادگاه عالی ایالت اونتاریو کانادا در سال ۲۰۱۹ به موجب اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها در ۲۰۱۲ کانادا و قانون شناسایی متقابل آرای قضایی میان آمریکا و کانادا رأی دادگاه‌های تجدید نظر ایالات متحده در این خصوص را شناسایی و اجرا کرده است. سندی که این دادگاه در هفتم اوت ۲۰۱۹ منتشر کرده است، تأکید می‌کند، عواید دو ملک متعلق به ایران که به ارزش تقریبی ۲۸.۳ میلیون دلار کانادایی (۳۱.۳ میلیون دلار آمریکایی) فروخته شده است، به وراث «مارلا بنت»^۱ ارائه شود؛ بنت شهروند آمریکایی بود که در بمب‌گذاری حماس در دانشگاه عبری بیت‌المقدس در ۲۰۰۲ کشته شد. شبکه‌های صهیونیستی برای بزرگ جلوه دادن این حادثه با انتشار اخبار و راه‌اندازی بورسیه‌های مختلف در دانشگاه‌های مطرح جهان از جمله (بورسیه مارلا بنت برکلی)، سعی در ایجاد انزجار عمومی گسترده‌ای داشتند؛ ولی حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین این حادثه را به شدت محکوم و با خانواده قربانی ابراز همدردی کردند. همچنین این رأی در ارتباط با «دوارد تریزی»^۲ و «جوزف سیسیپیو»^۳ صادر شد که حزب‌الله آن دو را بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱ گروگان گرفته بود. در پی این حکم، مرکز فرهنگی ایران به ارزش ۲۶.۵ میلیون دلار و مرکز مطالعات ایران نیز به ۱.۸۵ میلیون دلار به یک شرکت ساختمانی فروخته شد. همچنین خواهان سهمی از ۲.۶ میلیون دلار حساب‌های بانکی ایران، به علاوه حساب‌های شرکت «تویوتا کمری» و «مزدای ام.پی.وی» را دریافت کرد

اقدام کانادا در توقیف اموال فرهنگی و دیپلماتیک ایران در حالی صورت گرفته که این کشور در طول سالیان گذشته پناهگاهی امن برای مرتکبین جرائم کلان فساد بوده و هیچ اقدامی برای استرداد وجوه،

^۱ Marla Bennett

^۲ "Edward Tracey"

^۳ "Joseph Cicippio"



اموال و مجرمین این جرائم به‌ویژه «محمودرضا خاوری» و «مرجان شیخ‌الاسلامی» نکرده است. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران ضمن رد حکم صادره، بر مسئولیت بین‌المللی دولت کانادا در این زمینه و اقدامات متقابلی ایران هشدار داد!

۱-۲- سابقه طرح دعاوی علیه جمهوری اسلامی ایران در محاکم قضایی کانادا به بهانه تروریسم ماجراهایی نظیر قضیه مربوط به مصونیت دولت جمهوری اسلامی ایران در محاکم قضایی کانادا پیش از این هم سابقه داشته است؛ برای نمونه ۹۰ قربانی کانادایی جرائم تروریستی، دعاوی را در دادگاه عالی اونتاریو کانادا علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل ادعای حمایت از شبکه‌های تروریستی اقامه کرده‌اند. در ارتباط با دعاوی از پیش طرح‌شده، می‌توان به قضیه مهم «تریسی در مقابل وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران»^۱ اشاره کرد که دادگاه عالی اونتاریو به آن رسیدگی نمود. در این قضیه از دادگاه کانادا خواسته شد، احکام صادره محاکم قضایی ایالات متحده را که جمهوری اسلامی ایران را به پرداخت هفت میلیون دلار محکوم می‌کرد، تأیید کند. قاضی «هینی» (Justice Hailey) تأیید کرد که اصلاحات اخیر بر قانون مصونیت دولت‌ها، دکترین مصونیت دولت‌ها در کانادا را محدود ساخته است؛ ولی حداقل در ارتباط با دو دولت سوریه و ایران که از نظر دولت کانادا حامی تروریسم تلقی می‌شوند و در قضیه Tracey، خواهانی که از آرای محاکم قضایی ایالات متحده علیه ایران (ناشی از فعالیت‌های تروریستی) برخوردار بود، می‌توانستند آرای مزبور را علیه شماری از اموال و دارایی‌های ایران در کانادا به اجرا گذارند. در این میان ماجراهای دیگری نیز اتفاق افتاد که با مسئله تروریسم ارتباطی نداشت؛ از جمله می‌توان به قضیه «بوزاری در مقابل جمهوری اسلامی ایران» (Bouzari v. Islamic Republic of Iran, 2002: para. 56) اشاره کرد که در آن، دادگاه عالی اونتاریو اعلام نمود، به‌موجب قانون مصونیت دولتی کانادا، جمهوری اسلامی ایران مستحق مصونیت در کانادا برای ادعای شکنجه‌ای است که در قلمروی سرزمینی آن واقع شده است.

۲. قوانین کانادا ناظر بر مصونیت دولت‌ها

قوانین کانادا ناظر بر مصونیت دولت‌ها دو دسته هستند؛ قوانین تصویب‌شده در پارلمان این کشور که عمده قوانین در این زمینه را تشکیل می‌دهند و قوانینی که به‌صورت دستور ابلاغ شده است. بدیهی است که در این زمینه «رویه قضایی» با توجه به «کامن‌لا» (Common Law) بودن کانادا دیگر منبع مهم حقوقی

¹ Tracey v. the Iranian Ministry of Information and Security



محسوب می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. در وهله نخست بایستی به «قانون مصونیت دولت‌ها»^۱ در کانادا اشاره کرد که دکترین حقوق بین‌المللی مصونیت دولت‌ها را در ارتباط با فعالیت‌های غیرتجاری حقوق داخلی کانادا وارد ساخته است.

۲-۱- قانون مصونیت کانادا

قانون مصونیت دولت‌ها که در ابتدا با یک رویکرد مضیق نسبت به استثنائات مصونیت دولت‌ها پذیرفته شد، در طول سال‌های جاری با تبعیت از مدل آمریکایی مصونیت، استثنائات چندی را بر مصونیت دولت‌ها لحاظ کرده است. با این حال، این استثنائات نیز مانع از آن نشده است که اصل مصونیت دولت‌ها در قانون مصونیت دولت‌ها کانادا مورد نقض جدی قرار بگیرد؛ زیرا اصلاحیه این قانون بسیاری از اموال دولت‌های خارجی در کانادا را مصون از توقیف یا مصادره می‌داند. (Moravati, Ghorbani) (Sheikhneshin and Monavari, 2022: 265) برخلاف آمریکا، خاستگاه اصلی این اصلاحیه گفتمان موجود حقوق بشری در کانادا بود که دکترین فقدان مصونیت دولت برای نقض قواعد آمره حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مربوط می‌شد. هر چند نقطه کانونی این خاستگاه، توجه به قربانیان شکنجه بود، قربانیان دیگر جنایات بین‌المللی به‌ویژه جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت و اعدام‌های فرا قضایی نیز در آن مورد توجه است. (Abdollahi and Khandan Kochaki, 2017: 272)

قانون مصونیت دولت کانادا ابتدا از شناسایی تروریسم به‌عنوان یک استثنا اجتناب کرده بود؛ اما حادثه بمب‌گذاری ۱۹۸۵ در هواپیمای خطوط هواپیمایی هند منجر به کشته شدن تعدادی از اتباع کانادا و رشد مطالبات حقوق بشری از دهه ۹۰ میلادی شد و در سال ۲۰۱۲ اصلاح قانون مصونیت این کشور را رقم زد. در بخش ۲.۱ این اصلاحیه مقرر شده است:

«یک دولت خارجی در صورتی حامی تروریسم است که در جهات منافع خود یا غیر آن در ارتباط با یک نهاد تروریستی که مندرج در بند ۱ از بخش ۱۳.۰۱ قانون جزا، فعل یا ترک فعلی را مرتکب شده است. فعلی که در کانادا بر مبنای بخش‌های ۱۳.۰۲ تا ۱۳.۰۴ و ۱۳.۱۸ تا ۱۳.۲۱ قانون جزا جرم باشد»^۲.

¹ "the State Immunity Act, ("SIA")"

² "...a foreign state supports terrorism if it commits for the benefit of or otherwise in relation to a listed entity as defined in section 83.01(1) of the Criminal Code, an act or omission that is, or had it been committed in Canada would be, punishable under any of sections 83.02 to 83.04 and 83.18 to 83.23 of the Criminal Code."



در حال حاضر، نام ایران در این فهرست هست؛ در بند ۱ بخش ۶.۱ قانون مصونیت دولت‌ها مقرر شده، دولتی که در این فهرست قرار می‌گیرد، «در دادگاه (کانادایی) و در دعاوی مطروحه علیه آن در ارتباط با حمایت از تروریسم در حادثه اول ژانویه ۱۹۸۵ یا پس از آن مصونیت نخواهد داشت»^۱. بنابراین، چند شرط زیر برای استناد به اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها جهت قربانیان جرائم تروریستی لازم است:

- ۱- قربانیان جرائم تروریستی در صورتی حق دریافت جبران خسارت را خواهند داشت که اثبات شود دعوای مربوطه «ارتباط عینی و قابل توجهی با کانادا» دارد.
- ۲- قربانی جرائم تروریستی از اتباع کانادایی بوده یا به موجب موافقت‌نامه‌های شناسایی متقابل احکام قضایی، قابلیت اجرای احکام آن در کانادا وجود داشته باشد.
- ۳- جرم تروریستی در اول ژانویه ۱۹۸۵ یا پس از آن ارتکاب یافته باشد.
- ۴- در فهرست دولت‌های حامی تروریسم در بخش‌های ۸۳.۰۲ تا ۸۳.۰۴ و ۸۳.۱۸ تا ۸۳.۲۱ قانون جزای کانادا قرار گرفته باشد. (Meng, 2022: 41)

بر مبنای «قانون مأموریت خارجی و سازمان بین‌المللی»^۲ مصونیت اموال دیپلماتیک دولت‌های خارجی نیز تضمین شده است؛ البته در اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها به برخی ویژگی‌ها توجه نشده که از آن جمله وجود مصونیت دولت‌ها از دعاوی ناشی از اقدامات شنیع و ضد انسانی مانند شکنجه است. (Walter, 2017: 81)

۲-۲- قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ۲۰۱۲
تصویب «قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ۲۰۱۲»^۳ هم‌زمان با اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها صورت پذیرفت؛ به‌نحوی که این قانون، برای قربانیان تروریسم در جهت تعقیب مرتکبین ادعایی جرائم تروریستی و حامیان ادعایی آن‌ها سازوکاری را ارائه می‌دهد. مزیت خاص قانون عدالت برای قربانیان تروریسم، قابلیت اجرای آرا علیه دولت‌های منتخب و اموال آن‌ها بوده که ممکن است در حمایت مصونیت‌های دیپلماتیک باشند. بند ۵ بخش چهارم قانون عدالت برای قربانیان تروریسم مقرر می‌سازد، دادگاه صالح باید رأی یک دادگاه خارجی را به نفع شخصی به رسمیت بشناسد که از موارد اشاره‌شده

¹ “not immune from the jurisdiction of a court in proceedings against it for its support of terrorism on or after January 1, 1985.”

² the *Foreign Mission and International Organizations Act* (“FMIOA”)

³ Justice for Victims of Terrorism Act of 2012



در بند ۱ بخش چهار این قانون ضرر یا خساراتی به آن‌ها رسیده است؛ مشروط بر اینکه رأی مزبور علیه یک دولت خارجی باشد که بند ۲ بخش ۶.۱ قانون مصونیت دولت‌ها به آن اطلاق شده باشد؛ بر همین مبنا دادگاه‌های اونتاریو در چندین سال گذشته، احکام قضایی دادگاه‌های آمریکا علیه ایران را اجرایی کرده‌اند. (Heshmati, Rezaiee and Torabi, 2019: 36)

در قضیه تریسی علیه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران - که پیشتر بدان اشاره شد - دادگاه عالی اونتاریو در پاسخ به اعتراض نماینده جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه مصونیت دولتی ایران بر اساس قانون عدالت برای قربانیان تروریسم سلب نمی‌شود؛ تصریح کرد که قانون مزبور از قانون مصونیت دولت‌ها مستقل عمل نموده و هدف این قانون بر طبق بخش سوم آن «بازداشتن از تروریسم از طریق ایجاد یک دلیل قانونی است؛ به طوری که به قربانیان تروریسم اجازه دهد تا مرتکبین جرائم تروریستی و حامیان آن‌ها را مورد تعقیب قضایی قرار دهند» (Tracey v The Iranian Ministry of Information and Security, 2016: para.57).

با این حال به نظر می‌رسد که در مورد شرایط اجرای این قانون، در رویه قضایی کانادا موسع عمل شده و قاعده مصونیت دولت‌ها در مقابل حمایت ادعایی دولت‌های دیگر از جمله جمهوری اسلامی ایران از تروریسم رنگ باخته است. برای نمونه قانون عدالت برای قربانیان تروریسم تصریح می‌کند که خسارت یا ضرر رسیده به قربانیان تروریسم باید بعد از اول ژانویه ۱۹۸۵ میلادی باشد، مفهوم مخالف این ماده آن است که خسارت‌ها یا ضرر قربانیان تروریسم پیش از این تاریخ را شامل نمی‌شود. با این حال، دادگاه‌های کانادا در این زمینه رویکرد موسعی را اختیار کرده‌اند و آن‌گونه که در قضیه تریسی مشهود است، جرم تروریسم را به‌عنوان یک جرم موسع در نظر گرفته‌اند که ضرر و خسارت آن‌ها به قربانیان یا بازماندگان آن‌ها تا پس از اول ژانویه ۱۹۸۵ میلادی ادامه داشته است! چنین تفسیری با توجه به اینکه مصونیت دولت‌ها به‌عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی پذیرفته شده است تفسیری منطقی به نظر نمی‌رسد. این بدان معناست که با توجه به قاعده عطف به ماسبق نشدن قانون که در قانون عدالت برای قربانیان تروریسم نیز مورد تصریح قرار گرفته است، بایستی صلاحیت محاکم قضایی کانادا را از پس از لازم الاجراء شدن این قانون دانست نه این که برخلاف صراحت قانون، پیش از این لازم الاجراء شدن قانون فوق‌الذکر نیز صلاحیت محاکم قضایی را مورد پذیرش قرار داد. از دیگر موارد بحث‌برانگیز مطرح در این قانون که در رأی تریسی نیز بدان اشاره شد، این است که دادگاه کانادایی در پاسخ به دفاعیه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه خواهان ملزم است تا یک جرم کیفری خاص را بر مبنای بند ۱ بخش دوم



قانون جزای کانادا به اثبات برساند و در واقع به یک دلیل اثباتی استناد نماید؛ نظر داد که این چنین تفسیری با هدف قانون عدالت برای قربانیان تروریسم مغایرت دارد؛ قانونی که برای تسهیل طرح دعوی علیه گروه‌های تروریستی و حامیان آن‌ها تصویب شده است. به‌علاوه، دادگاه در این قضیه دریافت که توسل به دلیل اثبات در این دعاوی لازم نیست و صرف امارات در این خصوص کفایت می‌نماید؛ به عبارت دیگر، دادگاه در این قضیه معیار کنترل کلی را پذیرفت. (Anglet et al, 2019: 67)

۳-۲- قانون مأموریت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی

ماده ۴ «قانون مأموریت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌المللی» کانادا نیز به حمایت از اموال دیپلماتیک و مصونیت آن‌ها و مأمورین دیپلماتیک می‌پردازد؛ در بند ۱ ماده ۴ این قانون آمده است: «در همین راستا، پست‌های مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی هر دولت خارجی و اشخاصی که با آن مرتبط هستند، باید دارای رفتاری قابل قیاس با رفتار اعطاشده به پست‌های مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی کانادا در آن کشور خارجی باشند و وزیر امور خارجه به‌موجب صدور دستوری در ارتباط با پست‌های مأموریت‌های دیپلماتیک و کنسولی اقدام کند...».

۴-۲- دستور ایجاد فهرستی از دولت‌های حامی تروریسم

«دستور ایجاد فهرستی از دولت‌های خارجی حامی تروریسم»^۱ (SOR/2012-170) در تاریخ هفتم سپتامبر ۲۰۱۲ صادر و در بند ۱ آن اعلام شده است: «فهرستی که در جدول ذیل خواهد آمد در راستای بخش ۶.۱ قانون مصونیت دولت‌ها (کانادا) مندرج شده است». این دستور از زمان تصویب لازم‌الاجرا شد و به‌موجب آن، جمهوری اسلامی ایران و سوریه در فهرست دولت‌های حامی تروریسم قرار گرفتند. علاوه بر این، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تیپ فاطمیون و حماس بر اساس قانون جزای این کشور در فهرست نهادهای تحت تحریم کانادا قرار گرفته‌اند.

دولت‌های ادعایی حامی تروریسم بر طبق دستور ایجاد فهرستی از دولت‌های حامی تروریسم
جمهوری اسلامی ایران
جمهوری عربی سوریه

¹ " Order Establishing a List of Foreign State Supporters of Terrorism "



۳. سناریوهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران

۳-۱- نقض قوانین داخلی مصونیت کانادا در ارتباط با اموال فرهنگی

یکی از استدلال‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران «نقض قوانین داخلی مصونیت کانادا در ارتباط با اموال فرهنگی» است. با توجه به اینکه مصونیت اجرایی از مصونیت صلاحیتی جدا است و حتی با فرض اینکه دادگاه‌های کانادایی دارای صلاحیت رسیدگی به این قضیه بوده‌اند، مشکل دیگری واقع می‌شود و آن اینکه قسمت «د» بند ۱ ماده ۱۲ قانون مصونیت دولت‌های کانادا، مراجع را از اجرای احکام خارجی علیه اموال فرهنگی باز می‌دارد. با توجه به اینکه دو مرکز مصادره شده ایران از زمره اموال فرهنگی ایران تلقی می‌شوند، باید به این موضوع کرد که چه اموالی به‌عنوان اموال فرهنگی تلقی می‌شوند! ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۴ حفاظت از اموال فرهنگی نیز مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حمایت از اموال فرهنگی است که طبق تعریف ارائه‌شده در آن «اموال فرهنگی عبارت‌اند از اموال منقول یا غیرمنقول یا اشیایی که بخشی از میراث فرهنگی یک قوم یا ملت را تشکیل می‌دهد و متضمن نفع تاریخی، هنری یا مذهبی است. این اموال، هویت فرهنگی را که آن اموال معرف آن هستند، اعتلا می‌بخشد. اینکه آن اموال در کجا واقع شده و متعلق به چه شخصی است، تأثیری در این تعریف ندارد». ماده ۱ کنوانسیون اتخاذ تدابیر برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی ۱۹۷۰ پاریس نیز اموال فرهنگی را این‌چنین تعریف می‌کند: «منظور از اموال فرهنگی، اموالی اعم از مذهبی یا غیرمذهبی هستند که اهمیت آن‌ها از منظر باستان‌شناسی ماقبل تاریخ، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی به‌وسیله هر دولت مشخص شده است».

بنابراین بر طبق این تعاریف اموال فرهنگی تنها محدود به اموال فرهنگی باستانی نیست و در صورت احراز شرایط انواع جدید آن را نیز در بر می‌گیرد؛ برای نمونه موزه‌ها و کتابخانه‌هایی که برای اهداف آموزش عمومی و نه تاریخی یا میراث فرهنگی تعبیه شده‌اند در این فهرست قرار می‌گیرند. با این حال، این تعاریف بسیار کلی است و شامل افراد زیادی می‌شود. ماده ۱ کنوانسیون شیوه‌های ممنوعیت و پیشگیری از ورود، صادرات و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی دید بهتری در این زمینه ارائه می‌دهد. بر این اساس، ۱۵ مصداق برای اموال فرهنگی ارائه شده است؛ از جمله: مجموعه‌های نایاب و گونه‌های جانداران، گیاهان، مواد معدنی و کالبدشناسی و اشیاء با منفعت مربوط به انسان‌های عصر قدیم، تمبر پستی، سود سهام و تمبرهای مشابه به‌صورت منفرد یا در مجموعه و باید توجه داشت که ابعاد کوچک یا بزرگ اموال فرهنگی نیز نقشی در افزایش یا کاهش حمایت از آن‌ها ندارد؛ همان‌طور که در



قضیه «جوکیک» (Jokic) در نزد دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق، کل شهر قدیمی «دوبرونیک» به‌عنوان، اموال فرهنگی برجسته معرفی شده است.

در قوانین ملی نیز اموال فرهنگی تعریف شده است؛ برای نمونه در قوانین جمهوری اسلامی ایران برحسب «آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی سال ۱۳۸۱» سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، اموال فرهنگی در دو دسته «اموال فرهنگی - تاریخی» و «اموال فرهنگی صرف» تقسیم‌بندی شده‌اند. بر این مبنای، اموال فرهنگی - تاریخی «به اموالی اطلاق می‌شود که نشانگر تحول حیات و هویت فرهنگی - تاریخی یا وقوع وقایع تاریخی در دوره‌های خاص باشد و به نحوی از انحاء گوشه‌ای از حرکت تاریخی - فرهنگی انسان را در مقیاس ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی نشان دهد یا نشانگر ظهور حیات و انقراض تمدن‌های تاریخی بوده، از محوطه‌های باستانی واقع در خشکی یا بستر دریاها، در اثر حفاری علمی یا علل دیگر کشف شود». اموال فرهنگی صرف هم «به اموال منقولی اطلاق می‌شود که نشانگر وجوه مختلف زندگی انسان در دوره متأخر تاریخی بوده، پژوهش در آن‌ها موجب بازشناسی صورت تاریخی - فرهنگی زندگی جوامع انسانی می‌شود؛ از قبیل آثار مردم‌نگاری، مردم‌شناسی، فرهنگ و هنر بومی، آرشیه‌های صدا و تصویر و تمبر و امثال آن‌ها»^۱.

دستورالعمل نظامی ارتش آلمان هم اموال فرهنگی را «اموال منقول یا غیرمنقول با اهمیت گسترده برای میراث فرهنگی هر ملتی از جمله بناهای باستانی، هنری، عبادتگاه‌ها و کتابخانه‌ها» تعریف می‌کند. (German Military Manual on Protection of Cultural Properties, 2010, para 12) قانون «حفاظت از اموال فرهنگی لهستان»^۲، اموال فرهنگی را به این صورت تعریف می‌کند: «هر شیء منقول یا غیرمنقول، قدیمی یا معاصر که به دلایل ارزش تاریخی، علمی و هنری‌اش برای میراث و توسعه فرهنگی از اهمیت برخوردار باشد».

۲-۳- نقض مصونیت دیپلماتیک

از دیگر استدلالاتی که جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دعاوی علیه آن، اموال و حساب‌های مصادره شده دارای مصونیت دیپلماتیک بر مبنای شق «د» بند الف ماده ۱۲ قانون مصونیت دولت‌ها است. این

^۱ اموال فرهنگی در قانون اساسی ایران در اصل ۸۳ نیز به‌صورت غیرمستقیم مورد حمایت قرار گرفته‌اند. اصل ۸۳ مقرر می‌دارد: «بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی باشد، قابل انتقال به غیر نیست؛ مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی آن هم در صورتی که از نفایس منحصربه‌فرد نباشند» (Ibid).

^۲ Poland's Law on the Safeguard of Cultural Property



استدلال بر این فرض استوار بوده که مصونیت دیپلماتیک به فراتر از موارد کنوانسیون دیپلماتیک وین بسط پیدا می‌کند و برای مثال به اموال و حساب‌هایی اطلاق می‌شود که در اهداف دیپلماتیک به کار گرفته می‌شوند. با این حال، کانادا اموال دیپلماتیک ایران را در شناسنامه‌های وزارت امور خارجه‌اش بر مبنای بندهای الف و ج ماده ۱۱ «قانون مأموریت خارجی و سازمان‌های بین‌المللی»^۱ ثبت کرده و مدعی است که حساب‌های بانکی مأموریت‌های دیپلماتیک ایران جزء این اموال ثبت‌شده نبوده است!

مصونیت دیپلماتیک به‌عنوان یک اصل مسلم حقوق بین‌الملل در قضایای مختلفی از جمله قضیه «کاظمی» مطرح شده است: «مصونیت دولت‌ها نه تنها یک قاعده حقوق بین‌الملل است، بلکه گزینه‌های داخلی را که در راستای اهداف سیاسی اتخاذ می‌شوند، به‌ویژه در ارتباط با روابط بین‌الملل منعکس می‌کند. تعهد کانادا به ممنوعیت جهانی شکنجه، تعهدی قوی است. با این حال، پارلمان حق انتخاب در ترجیح مصونیت دولت‌های خارجی بر جبران خسارت شهروندانی را که در خارج از کشور شکنجه شده‌اند؛ در اختیار دارد» (Supreme Court of Canada, Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran, 2014: 62)

همچنین در طرح دعوی «بوذری» علیه جمهوری اسلامی ایران^۲ نیز بر همین، قاعده آمره بین‌المللی مصونیت دیپلماتیک تأکید شده است. این موضوع نه تنها در مسائل مطرح علیه جمهوری اسلامی ایران، بلکه در قضایای علیه جمهوری عربی سوریه نیز تأکید شده است از جمله قضیه «ارار در مقابل جمهوری عربی سوریه»^۳ (Ontario Court of Justice, Arar v. Syrian Arab Republic, 2005: 187)

جدا از این امر، به نظر می‌رسد در قوانین مصونیت دولتی کانادا تعهدات بین‌المللی این کشور نقض شده است؛ از جمله اینکه از آنجا که اثبات رابطه انتساب به صورت دقیق از سوی خواهان یا شاکی با پیچیدگی خاصی مواجه است، صرف این که یک نهاد دولتی خارجی به عنوان یک نهاد تروریستی از سوی دولت کانادا معرفی شده باشد، کفایت می‌نماید و در این موارد نیاز به اثبات رابطه انتساب نیست. در این راستا،

^۱ Foreign Missions and International Organizations Act, SC 1991 c 41.

^۲ هوشنگ بوذری یک تبعه ایرانی که در ژوئن ۱۹۹۳ میلادی به دنبال اتهامات امنیتی توسط مأموران قضایی بازداشت شده و پس از آزادی در سال ۱۹۹۴ و فرار به سمت اروپا و سپس کانادا، اقدام به طرح دعوی علیه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۰ میلادی نمود و خواستار پرداخت غرامات به وی بابت ادعای بازداشت غیرقانونی شد. در ۱ می ۲۰۰۲، دادگاه عالی اونتاریو کانادا، دعوی وی را به دلیل عدم وجود صلاحیت قانونی برای رسیدگی به دعوی علیه یک دولت خارجی رد کرد و این رأی در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ میلادی نیز از سوی دادگاه تجدیدنظر کانادا مورد تأیید قرار گرفت. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن.ک به: <http://www.internationalcrimesdatabase.org/Case/918/Bouzari-v-Iran/>

^۳ این قضیه در ارتباط با ادعای شکنجه یک تبعه سوری مقیم کانادا به نام آزار علیه جمهوری عربی سوریه بود که دادگاه عالی اونتاریو به علت عدم وجود صلاحیت قانونی برای رسیدگی به دعوی علیه یک دولت خارجی آن را رد نمود.



بند ۳ ماده ۱۱ قانون مصونیت دولت‌های کانادا تصریح می‌دارد: «این بخش نسبت به یک اداره دولتی خارجی یا یک دولت خارجی که در این فهرست به‌موجب بند ۲ بخش ۱.۶ قانون مصونیت دولتی مندرج شده است، در ارتباط با دعوی‌ایی که علیه آن دولت خارجی به دلیل حمایتش از تروریسم یا فعالیت‌های تروریستی صورت می‌پذیرد؛ اعمال نمی‌شود». (Ontario Court of Justice, Edward Tracy v the Iranian Ministry of Information and Security, 2014:47)

۳-۳- حمایت از مستضعفین

از آنجا که ادعای اصلی کانادا، حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های تروریستی بوده است؛ می‌توان چند استدلال زیر را در رد آن بیان کرد:

حمایت از مستضعفین یکی از استدلالاتی است که برای حمایت‌های تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های مقاومت اسلامی آورده می‌شود. این در حالی است که اگرچه در نظام حقوق بین‌الملل، حمایت از مستضعفین به رسمیت شناخته شده است اما الزام دولت‌ها به حمایت از اعمال حق تعیین سرنوشت خارجی در مقابل وضعیت‌های اشغال نظامی و برقراری آپارتاید به رسمیت شناخته شده است. به عبارت دیگر، در این وضعیت‌ها نه تنها دولت‌ها حق به حمایت از گروه‌های آزادی‌طلبی را دارند که در راستای اعمال حق تعیین سرنوشت می‌کوشند بلکه در این زمینه الزام پیدا می‌کنند. مشاهده اقدامات رژیم صهیونیستی در ارتباط با فلسطینیان و نیز سوریه نشان می‌دهد که رژیم مزبور در راستای اشغال نظامی بخش‌هایی از فلسطین و سوریه اقدام نموده است.^۱ (Bozorgmehri and Kiarostami, 2017: 132) در هر صورت، اصل حمایت از مستضعفین در حقوق بین‌الملل اسلام جایگاه سترگی دارد. این اصل از یک‌طرف تحمیل زور را به‌عنوان خمیرمایه اصلی دخالت نفی می‌کند و از طرف دیگر برای دفاع از حقوق انسانی و بشری اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است و هنگام تعارض با سایر اصول جایگاه مهمی می‌یابد و بر آن‌ها مقدم می‌شود. در حقوق بین‌الملل اسلام، اصل حمایت از مستضعفین همیشه در جهت

^۱ در این مورد می‌توان به اظهارات دکتر ولایتی، مشاور امور بین‌المللی رهبری اشاره کرد که گفته است: «چنانچه تحولات نظام بین‌الملل سمت‌گیری عادلانه نداشته باشد و امکانات متمرکز شده در بخش کوچکی از جهان موجب ارتقای کیفی سطح زندگی و کشورهای کمتر توسعه‌یافته نشود، جنگ بین مستضعفین و مستکبرین جهان را در پی خواهد داشت و سازمان ملل به‌عنوان سازمان جهان‌شمول باید بر اساس عدالت، احترام به کرامت و ارزش‌های والای انسانی، به دور از ملاحظات کوتاه‌بینی و بر مبنای حقوق بین‌الملل برای حل مشکلات بین‌المللی ارائه طریق نماید... این مشکل باعث شده مفهوم عدالت که علی‌الاصول باید زیربنای منشور ملل متحد باشد، به‌درستی تعریف نشود و زمینه برای سوء تفسیر منشور بازماند؛ به اعتقاد ما منشور به‌شدت دچار تناقض است؛ مثلاً در مورد حق و تو منشور این حق را صرفاً برای چند عضو دائم شورا منظور داشته است.» برای اطلاعات بیشتر در این مورد ن.ک به: پیشگاهی فرد، زهره؛ زارعی، بهادر؛ عدالت اسلامی و گفت‌وگو انتقادی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه سیاست، دوره چهارم، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۳، ص ۷۸.



مقابله با تعدی به حقوق اساسی و آزادی بشر (حق تعیین سرنوشت نیز می‌تواند نمودی از آن باشد) آورده شده است که در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (سازمان همکاری اسلامی کنونی) در قاهره تضمین شده است.^۱ با توجه به عدم طبقه‌بندی حقوق به حقوق داخلی و بین‌المللی در نظام حقوقی اسلامی، باید اصل حمایت از مستضعفین را از جمله قواعدی دانست که واجد کارایی دوگانه داخلی و بین‌المللی است و

۴. سناریوی حقوقی دولت کانادا

استدلال اصلی محاکم قضایی کانادا در مورد نقض مصونیت اموال دولتی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، تروریستی بودن گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان است که هرگونه حمایت از آن‌ها، حمایت از گروه‌های تروریستی تلقی می‌شود.^۲ به عبارت دیگر، مهم‌ترین استدلال دولت کانادا در ارتباط با نقض اموال دولت ایران در کانادا، حمایت ایران از گروه‌های تروریستی بوده است. البته هم چنان که پیش‌تر گفته شد به جز فهرست گروه‌های تروریستی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صورت می‌پذیرد و دولت‌ها در ارتباط با آنها اتفاق نظر دارند، در سایر موارد، اختلاف نظرهای گسترده‌ای در ارتباط با فهرست گروه‌ها و اشخاص تروریستی وجود دارد به طوریکه ممکن است افراد و گروه‌هایی که از سوی

دولت کانادا در نوامبر ۲۰۰۲ میلادی، حماس را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و پیش از آن نیز، نخست‌وزیر وقت کانادا، «جین چرتین» در می ۲۰۰۰، صندوق بیت‌المقدس برای خدمات حماس یا همان صندوق بیت‌المقدس را به‌عنوان منبع تأمین مالی حماس در کانادا شناسایی کرد. «ائتلاف کانادا برای دموکراسی‌ها»^۳ متعاقباً ادعا کرد که صندوق بیت‌المقدس از طریق تغییر نام خود به «صندوق کمک‌های بین‌المللی برای در ماندگان و نیازمندان»^۴ موسوم به «ایفران» در بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در جهت کمک به حماس کوشیده است. با این حال در سال ۲۰۰۴، اداره درآمدهای کانادا فعالیت‌های این

^۱ در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی آمده است: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام، جزئی از دین مسلمین است».
^۲ ایالات متحده آمریکا به همین منظور، در سال ۲۰۰۷ میلادی پایگاهی در نزدیکی مرز ایران در استان واسط در شرق بغداد برای مقابله با انتقال تسلیحات جمهوری اسلامی ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی برپا کرد. در جولای ۲۰۰۸، نیروهای ایالات متحده و کارشناسان امنیت مرزی ایالات متحده، پایگاه‌های دیگری در نزدیکی مرز ایران در استان میزان عراق برپا داشتند. همچنین دولت جورج دبلیو بوش در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی بر طبق دستور اجرایی ۱۳۲۲۴، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست ادعایی موجودیت‌های حامی تروریسم قرار داد.

^۳ “The Canadian Coalition for Democracies”

^۴ “International Relief Fund for the Afflicted and Needy”



صندوق کمک‌های خیریه را بررسی کرد؛ ولی هیچ‌گونه ارتباطی میان این صندوق و حماس پیدا نشد. بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ یک حسابرسی مالی دیگر ادعا کرد که «ایفران به‌طور پیوسته و آشکار از حماس حمایت می‌کند»؛ به دنبال آن شعبه امور خیریه اداره درآمدهای کانادا اسنادی را منتشر ساخت که بر طبق آن، ادعا شده بود ایفران، حدود ۱.۵ میلیون دلار به حماس و سازمان‌های تابعه کمک مالی کرده است و همین امر باعث شد که ۱- در سال ۲۰۱۱، ایفران از فهرست سازمان‌های خیریه کانادایی خارج شود؛ ۲- در سال ۲۰۱۴ ایفران در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار بگیرد.

اقدامات کانادا علیه حماس صرفاً محدود به این موضوع نبود؛ بلکه در زمینه یارگیری در کانادا نیز بنا به ادعاهای مقامات کانادایی فعال بود؛ برای نمونه در سال ۲۰۰۳، رژیم صهیونیستی یک مرد کانادایی در غزه را دستگیر کرد که متهم به خیانت و آموزش‌های نظامی غیرقانونی علیه اتباع آن رژیم و ایالات متحده بود. البته حماس هرگونه به‌کارگیری تبعه کانادایی مزبور را رد نمود.

گفتنی است اقدامات کانادا علیه تروریسم اقدام منسجمی نبوده است؛ زیرا بسیاری از گروه‌های سلفی حمایت‌کننده از جریان‌های تروریستی القاعده، از جمله «کنگره/اسلام‌گرایان کانادا» که در کانادا اقدام به تأمین مالی و حتی آموزش اتباع کانادایی می‌کنند و مهم‌تر از آن دولت‌های حامی آن‌ها به‌ویژه رژیم سعودی بر مبنای اصلاحیه قانون مصونیت در سال ۲۰۱۲، در فهرست گروه‌های تروریستی و دولت‌های حامی تروریسم قرار نگرفته‌اند. کانادا علاوه بر قوانین داخلی خود در زمینه شناسایی گروه‌های حماس و حزب‌الله به‌عنوان گروه‌های تروریستی ادعایی، به قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد نیز استناد می‌ورزد. این کشور بر مبنای قطعنامه‌های فصل هفتمی شورای امنیت از جمله ۱۳۷۳ که مقرر می‌دارد تمامی دولت‌ها باید از هرگونه حمایت فعالانه یا منفعلانه برای موجودیت‌ها یا اشخاص دخیل در اقدامات تروریستی خودداری و گام‌های ضروری برای جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی را اتخاذ کنند و از ایجاد مکان امن برای کسانی که به تأمین مالی، برنامه‌ریزی، حمایت و ارتکاب اعمال تروریستی می‌پردازند، احتراز ورزند. آن‌ها در این راستا اتهاماتی از جمله تلقی جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌الله لبنان و حماس به‌عنوان گروه‌های مرتبط با القاعده را مطرح ساخته‌اند. جمهوری اسلامی ایران بالعکس، کانادا، رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا را بزرگ‌ترین حامیان تروریسم دولتی در جهان معرفی می‌کند. در مقابل می‌توان ایرادهای ذیل را بر این ادعا وارد کرد:

۱- در حقوق بین‌الملل هیچ‌گونه تعریف معاهداتی عام الشمول یا حتی عرفی عام از اعمال تروریستی وجود نداشته، دولت‌ها و حتی برخی سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای به فراخور هدف و موضوع



کارکردی خود این مفهوم را تعریف کرده‌اند که به‌هیچ‌وجه حاکی از جهان‌شمولی چنین تعاریفی نیست. از سوی دیگر کانادا، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله حزب‌الله لبنان را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند؛ اما این تصمیم نه تنها با اعتراض لبنان به‌عنوان کشور محل فعالیت این جنبش و کشورهای اسلامی مواجه شد، بلکه اتحادیه اروپایی به‌عنوان متحد کانادا و ایالات متحده نیز به این تصمیم به‌شدت اعتراض کرد. این امر بیانگر عدم اتفاق نظر در مورد قرارگیری این جنبش‌ها ذیل سازمان‌های تروریستی در سطح جامعه بین‌المللی است.^۱

۲- جمهوری اسلامی ایران بارها تأکید کرده، تنها مرجع صالح بین‌المللی برای تعیین وصف اعمال تروریستی، سازمان ملل متحد و به‌ویژه شورای امنیت آن است؛ این در حالی است که هیچ‌یک از قطعنامه‌های شورای امنیت یا مجمع عمومی ملل متحد یا نهادهای صالح دیگر ملل متحد، در زمینه مقابله با اعمال تروریستی جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌الله لبنان و حماس در زمره گروه‌های تروریستی مطلبی ارائه نکرده است.^۲ بر این اساس ادعای دول عمدتاً غربی مبنی بر تروریستی بودن این گروه‌ها از لحاظ حقوق بین‌الملل فاقد وجهت قانونی است.^۳

جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه پس از حملات غیرقانونی ایالات متحده آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ همواره تأکید کرده که حضور قدرت‌های نظامی خارجی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا خود برهم زننده صلح و امنیت منطقه‌ای و عاملی برای رشد تروریسم در این منطقه است.^۴

^۱ البته پارلمان اروپایی در سال ۲۰۰۵ در یک تصمیم غیر الزام‌آور، حزب‌الله لبنان را در فهرست سازمان‌های حامی تروریسم قرار داد؛ با این حال این تصمیم فراتر از بعد اعلامی آن، کشورها را در اتحادیه اروپایی ملزم نکرد تا اقدامی علیه این جنبش مقاومت اسلامی انجام دهند یا ارتباطاتشان را تا زمانی که خود اتحادیه اروپایی تصمیم الزام‌آوری در این زمینه اتخاذ نماید به حالت تعلیق درآورند.

^۲ برای نمونه سازمان ملل متحد پس از پایان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان و پیروزی قاطع حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶، برای ایجاد آتش‌بس و استقرار نیروهای حافظ صلح ملل متحد با عنوان «نیروی سازمان ملل متحد در لبنان» یا «یونیفیل» اقدام به تصویب قطعنامه ۱۷۰۱ کرد؛ درحالی‌که هیچ استنادی به تروریستی بودن حزب‌الله لبنان ننمود.

^۳ در این زمینه می‌توان به گزارش‌های کشوری وزارت امور خارجه ایالات متحده راجع به تروریسم اشاره نمود که بر مبنای آن، جمهوری اسلامی ایران از سازمان‌ها و گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله لبنان، گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی، شبه‌نظامیان عراق و جنگجویان طالبان در افغانستان که از نظر ایالات متحده، تروریستی هستند، حمایت می‌کند.

^۴ در این زمینه می‌توان به اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه اشاره کرد که فرموده‌اند: «مروزه سیاست‌های استکباری در این منطقه کاملاً افشاء شده است. ملت‌ها می‌دانند که سیاست‌های استکباری در این منطقه چه می‌خواهند؛ دنبال چه آمده‌اند. حضور آمریکایی‌ها در خلیج فارس وسیله ناامنی است؛ این را ملت‌ها فهمیده‌اند. ... مهم‌ترین وسیله ناامنی برای مردم عراق، حضور بی‌محابای اشغالگران است که نه به جان مردم، نه به مال مردم، نه به ناموس مردم، نه به غرور ملی مردم، هیچ اعتنایی نمی‌کنند». اظهارات رئیس‌جمهور روحانی در دیدار با حامد کرزی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان در سال ۱۳۹۲ اشاره داشت: «ما نگران تنش‌های حاصل از حضور



کشور ایران همچنین از معیارهای دوگانه غرب برای مقابله با اقدامات تروریستی و به‌ویژه حمایت از اقدامات تروریستی رژیم صهیونیستی به‌کرات انتقاد کرده^۱ و خواستار اجماع در باب این موضوع شده است.^۲ ادعای حمایت تسلیحاتی جمهوری اسلامی از گروه‌ها و عملکرد بین‌المللی تروریسم، مخالف آموزه‌های بنیانی فرهنگی و دینی حقوق بین‌الملل اسلام است؛ زیرا علاوه بر آیات قرآنی (۳۲/مانده) به‌شدت از نظر فقها نهی شده است.

۵. اقدامات احتمالی متقابل

الف- با توجه به اینکه عواید ناشی از فروش اموال ایران در کانادا به خواهان پرداخت شده است؛ دسترسی ایران به این عواید ممکن به نظر نمی‌رسد. پیشنهادهایی در ارتباط با اقدامات احتمالی متقابل ایران داده شده است از جمله توقیف کشتی‌هایی که کالاهایی به مقصد کانادا دارند در تنگه هرمز و سایر تنگه‌های حیاتی بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران بر آن‌ها کنترل دارد از جمله تنگه باب‌المندب؛ یا توقیف اموال کانادا در قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران؛ اقداماتی که می‌تواند با رعایت شروط تقابلی همچون عدم نقض قواعد آمره بین‌الملل، عدم توسل به‌زور و با احترام به منشور ملل متحد توسط وزارت امور خارجه و با همکاری قوه قضائیه و نیروی نظامی ایران اعم از ارتش و سپاه انجام شود.

ب- بر اساس قانون «صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به برخی دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی»، مسئولیت دولت کانادا در قبال توقیف اموال فرهنگی دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده و از ظرفیت‌های موجود در این قانون در زمینه توقیف اموال کانادا در قلمروی سرزمینی جمهوری اسلامی ایران بهره گرفته شود.

نیروهای خارجی در منطقه بوده و معتقدیم تمام نیروهای خارجی باید از منطقه خارج شده... جمهوری اسلامی ایران با هر نوع حضور خارجی در منطقه، خاورمیانه و خلیج فارس مخالف است».

^۱ در کنار این برخورد دوگانه، ورود مؤلفه «مذهب» در اغلب توصیفات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غربی به قوت مشاهده می‌شود که مورد انتقاد جمهوری اسلامی ایران است از جمله می‌توان به راهبرد ۲۰۰۳ میلادی امنیت اروپایی اشاره داشت که در بخشی راجع به تروریسم خاطر نشان می‌سازد: «تروریسم یک تهدید استراتژیک فزاینده برای کل اروپا محسوب می‌شود. موج اخیر تروریسم دارای یک گستره جهانی است و با بنیادگرایی "مذهبی" مرتبط است و از عوامل پیچیده‌ای از فشارهای ناشی از مدرنیته گرفته تا بحران‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نشئت می‌گیرد».

^۲ در این مورد می‌توان به اظهارات استفان سگالر اشاره داشت که تصریح می‌دارد: «ما غربی‌ها، دشمنان را به دلیل ارتکاب تروریسم محکوم می‌کنیم، اما اگر همین اقدامات توسط متحدان و دوستان ما صورت گیرد، در قلب عباراتی زیبا مانند مبارزه رهایی‌بخش، مقابله با حکومت‌های دیکتاتور و سرکوبگر و دفاع مشروع به توجیه آن می‌پردازیم».



ج- رجوع به «دیوان بین‌الملل دادگستری» می‌تواند یکی دیگر از اقدامات ایران باشد؛ مانند قضیه «پترسون»^۱ که البته ضعف عمده آن عدم پذیرش صلاحیت اجباری دیوان در عهدنامه مشابهی مانند

^۱ در بانک مرکزی ایران از بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷، بخشی از دارایی‌های ارزی خود به ارزش ۲ میلیارد دلار را به صورت اوراق قرضه دلاری نزد شرکت کلیبر استریم که شرکت امین اوراق ثبت شده در لوکزامبرگ بوده است، سرمایه گذاری نموده است. این شرکت نیز اقدام به سرمایه گذاری این وجوه در بانک سیتی گروپ ایالات متحده آمریکا نمود. از این مقدار رقم معادل ۱.۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ و به دنبال تصویب قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی سخت‌گیرانه و ظالمانه ایالات متحده بر علیه ایران در باب ممنوعیت انتقال پول بانک‌های ایرانی توسط بانک‌های بین‌المللی از جمله UBS سوییس، HSBC انگلستان، Commerzbank آلمان و ... مسدود و سپس ضبط شده است. در دی ماه ۱۳۹۰، کنگره ایالات متحده اما با اصلاح خلاف صریح حقوق بین‌الملل قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه، صراحتاً ذکر نمود که برای جبران خسارات خواهان متضرر آمریکایی از اعمال ادعایی تروریستی ج.ا.ایران، می‌بایستی وجوه سرمایه گذاری شده ج.ا.ایران توسط شرکت کلیبر استریم در نزد بانک سیتی گروپ ایالات متحده، مسدود و به متضررین پرداخت گردد. بسط مفهوم تروریسم در این قانون و قوانین قبلی به نحوی که علاوه بر نظامیان آمریکایی به پیمانکاران ارتش آمریکا نیز اجازه داده تا علیه دول حامی تروریسم در محاکم داخلی ایالات متحده، طرح دعوی کنند باعث موسع شدن بیش از حد تروریسم از یک استثنا به یک اصل نسبت به مصونیت دولت‌ها گشته است. این امر مخالف با قواعد عرفی بین‌المللی راجع به مصونیت دولت‌ها بوده که در مواد ۱ و ۵ کنوانسیون بین‌المللی مصونیت دولت‌ها و اموال آنها به عنوان یک اصل بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. هم چنین سازمان‌های بین‌المللی نیز به این اقدام ناقض حقوق بین‌الملل حاکم بر مصونیت دولت‌های ایالات متحده واکنش نشان دادند که مهم‌ترین آنها صدور بیانیه اعتراضی جنبش عدم تعهد بود که در آن، تلاش دولت، کنگره و دادگاه‌های داخلی ایالات متحده برای مصادره اموال بانک مرکزی ایران را مردود دانسته و بر اصل مصونیت دولت‌ها به عنوان یکی از قواعد آمره بین‌المللی تاکید کرد.

دولت ایران بلافاصله پس از این راهزنی اموال ملت ایران، دستور تشکیل کمیته ویژه‌ای تحت نظارت وزیر امور اقتصاد و دارایی و متشکل از وزرای امور خارجه، اطلاعات، دادگستری و رییس کل بانک مرکزی ایران برای پیگیری اقدامات ضروری حقوقی و سیاسی به منظور رفع توقیف غیرقانونی ۲ میلیارد دلار ملت ایران را داد. در بیانیه صادره این کمیته ویژه پس از پایان بررسی‌هایش، ضمن تاکید بر اینکه به دلیل آنکه، راهزنی ۲ میلیارد دلار ((صرفاً یک مورد خاص حقوقی یا سیاسی یا بانکی نبوده و با موضوع امنیت ملی مرتبط می‌باشد))؛ پیشنهاد شده بود که دو دستگاه شورای عالی امنیت ملی و قوه قضاییه مسئول پیگیری و اقدام اموال دستبرد شده ملت ایران باشند. پس از این گزارش، دولت ایران در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۶ به خاطر نقض موافقت نامه مودت ۱۹۵۵ فیما بین و این ادعا که برای دهه‌های متمادین، بدون هیچ گونه دلیل روشن به عنوان دولت حامی تروریسم معرفی شده و بر این اساس دعاوی متعددی داخلی علیه آن در محاکم قضایی آمریکایی اقامه و منجر به صدور احکام قضایی ظالمانه‌ای شده است که نهایتاً موجبات نقض مصونیت دولت ایران را بر خلاف قواعد آمره بین‌المللی فراهم ساخته است، دعوایی را در نزد دفتر دیوان بین‌الملل دادگستری بر مبنای بند ۲ ماده ۲۱ موافقت نامه مودت به ثبت رسانید. این ماده تاکنون مبنای صلاحیتی دیوان در دو قضیه^۲ بازداشت کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران در ۱۹۷۹ و قضیه سکوه‌ای نفتی در سال ۱۹۹۲ بوده است که از این رو، به استناد ج.ا.ایران یک مبنای قانونی و مشروع نسبت به ارجاع به صلاحیت دیوان می‌دهد. با این حال، مشکل عمده‌ای که در این استناد وجود دارد آن است که صرفاً در صورت اختلاف در تفسیر و اجرای عهدنامه مودت می‌باشد که دیوان بین‌المللی دادگستری از صلاحیت اجباری برخوردار خواهد بود و نه در موارد نقض آن. بنابراین، بر اساس اصل تفسیر مضیق بایستی تا بدان جا که امکان پذیر است، دامنه شمول موارد نقض به منظور ارجاع به دیوان را محدود نمود. در این دادخواست، اعلان شده است که تا زمان طرح این دادخواست، ایالات متحده آمریکا با ادعای واهی حمایت ایران از تروریسم، مبلغی بالغ بر ۵۶ میلیارد دلار به ج.ا.ایران خسارت وارد آورده است. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن.ک به: تدینی، عباس و کازرونی، سیدمصطفی؛ بررسی تطبیقی قوانین مصونیت دولتی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا با توجه به دستبرد اخیر ۲ میلیارد دلاری ایالات متحده آمریکا بر اموال مالی ایران؛ فصلنامه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره ۷، شماره‌گان ۱ و ۲، صص ۴۶۱-۴۹۱.



عهدنامه مودت ایران و ایالات متحده بود. در این زمینه، ممکن است کانادا صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به دعوا نپذیرد؛ به عبارت دیگر، باید گفت که موافقت‌نامه‌های معدودی میان ایران و کانادا وجود دارد، از جمله «**قانون موافقت‌نامه همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از انرژی اتمی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کانادا**»¹ که ارتباطی با بحث حاضر نداشته و سازوکار ارجاع به دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در آن پیش بینی نشده است.

نتیجه‌گیری

قضیه پترسون منجر به توقیف دو میلیارد دلار از حساب‌های بانک مرکزی ایران در نزد «سیتی بانک» آمریکا شد که مؤسسه «کلیراستریم» لوکزامبورگ با آن معامله می‌کرد، ولی پس از گذشت مدت‌ها، هنوز دستگاه دیپلماسی کشور اقدامات حفاظتی و پیشگیرانه‌ای در جهت حفاظت از منابع مالی کشور انجام نداده است! برای نمونه در این قضیه، حساب‌های بانکی متعلق به مأموریت‌های دیپلماتیک ایران در فهرست شناسنامه اموال دیپلماتیک ایران در نزد وزارت امور خارجه کانادا ثبت نشده و همین امر منجر به توقیف آن شده است. این معضل در قضایای قبلی در نزد محاکم کانادایی همچون قضیه تریسی نیز مطرح و منجر به توقیف حساب‌های مأموریت‌های دیپلماتیک ایران در کانادا شده بود. لازم است وزارت امور خارجه در ارتباط با حساب‌های بانکی و وجوه متعلق به آن‌ها سیاست‌های جدی اتخاذ کند؛ زیرا اگر این حساب‌ها در فهرست اموال دیپلماتیک ثبت می‌شد، در معرض توقیف قرار نمی‌گرفت. از آنجایی که به جز کانادا و ایالات متحده آمریکا همچنان بسیاری از دولت‌ها استناد به تروریسم و حقوق بشر را به‌عنوان عوامل استثنایی بر مصونیت دولت‌ها نپذیرفته‌اند، پیشنهاد می‌شود وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با طرح تصویب قطعنامه‌هایی با موضوع مصونیت دولت‌ها در مجمع عمومی ملل متحد در راستای تدوین یک قاعده عرفی بین‌المللی حرکت کند. این امر می‌تواند ضمن رد کردن استثنائات مزبور به جمهوری اسلامی ایران در دفاعیات خود در نزد محاکم قضایی، به دولت‌های نقض‌کننده مصونیت آن کمک شایانی نماید. با توجه به اینکه در ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی **قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به برخی دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی**، موضوع همکاری با دولت‌های ثالث برای توقیف اموال دولت محکوم در نزد محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران به میان آمده است، محاکم دادگستری باید تفسیر موسعی از این نوع همکاری داشته باشند و در این راستا،

¹ <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96886>



اداره امور بین‌الملل قوه قضائیه و وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران، موافقت‌نامه‌های معاضدت قضایی خود را افزایش دهند. با توجه به اینکه ممکن است دولت‌های محکوم در قلمرو سرزمینی جمهوری اسلامی ایران، اموالی به ارزش مورد رأی نداشته باشند؛ باید در جهت همکاری قضایی و اطلاعاتی با سایر دولت‌ها، به‌ویژه در کشورهای متحدی همچون سوریه و عراق اقدام کرد. خسارت تنبیهی یکی از ظرفیت‌های بالقوه مندرج در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به برخی دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی است. استفاده از این ظرفیت در دعاوی پیشین علیه دولت‌های خارجی در محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران به دلیل فقدان اطلاعات قابل اتکا؛ قابلیت سنجش و ارزیابی ندارد؛ اما پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از ورود چنین خسارت‌هایی به جمهوری اسلامی ایران در آینده، قوه قضائیه از این ظرفیت به نحو مطلوب‌تری استفاده کند.

منابع

- Abdullahi, Mohsen and Khandan Kokhaki, Jamal. (2019) Exception of terrorism in the immunity laws of Iran, USA and Canada. *Legal Research Quarterly of Shahid Beheshti University*. Number 77
- Arar v. Syrian Arab Republic, Ontario Superior Court of Justice, 2005 Carswell ont 768, 28 C.R. (6th) 187, 127.
- Bouzari v. Islamic Republic of Iran, [2002] O.J. No. 1624 (S.C.J.), per Swinton J.; aff'd by [2004] O.J. No. 2800 (C.A.)
- Edward Tracy v The Iranian Ministry of Information and Security, 2014 ONSC 1969 (SCJ) at 47
- Fard, Zahra; Zarei, Bahadur (2019); *Islamic Justice and Critical Discourse in Iran's Foreign Policy*, Policy Quarterly, 40th Volume, Number 3
- Foreign Missions and International Organizations Act, SC 1991 c 41.
- Justice for Victims of Terrorism Act of 2012
- Poland's Law on the Safeguard of Cultural Property
- Supreme Court of Canada, "Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran,
- Tadini, Abbas and Kazroni, Seyed Mustafa (2015); *A comparative study of the state immunity laws of the Islamic Republic of Iran and the United States of America, considering the recent seizure of*



2 billion dollars by the United States of America on Iran's financial assets; Tehran University
Comparative Law Quarterly, Volume 7, Numbers 1 and 2
Tracey v The Iranian Ministry of Information and Security, 2016 ONSC 3759, para 57.
Tracey v. the Iranian Ministry of Information and Security